

بسمه تعالی

پیش نشست هفتم همایش «نظم جدید بین الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» با عنوان «بررسی عاملیت دیاسپورا در کشاکش و نبرد فدراسیون روسیه و اوکراین» با سخنرانی آقای دکتر حسن جباری نصیر (دانشیار و پژوهشگر ارشد دانشگاه روابط بین الملل مسکو-مگیمو) و مدیریت خانم دکتر طیبه محمدی کیا (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) در روز ۱۲ دی ماه ۱۴۰۱ در سالن ادب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. سخنران جلسه ضمن واکاوی تاریخ روسیه و اوکراین امروز به بررسی نقش دیاسپورای روسی در بحران اوکراین پرداخت.

تعریف دیاسپورا و ویژگی های گروههای دیاسپورا

«دیاسپورا» به جابجایی مردم از یک کشور، منطقه یا قاره به کشور دیگر به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، گفته می شود. این پدیده امروزه ارتباط نوع آرمانی «دولت-ملت» یا به طور دقیق تر تطابق ملت و دولت را را به پرسش کشیده و شرایطی را ایجاد کرده است که اکثر کشورها در حال تبدیل شدن به جوامع چند قومیتی و چندفرهنگی، چند نژادی و کثرت گرا هستند.

گروه های مهاجری که به رغم زیست همیشگی در جامعه میزبان جذب آن نشده اند و نمی توان آنها را به سادگی مهاجر دانست. امتناع آنها از جذب کامل در کشور میزبان چنان محسوس است که حضور آنها مفاهیم سنتی هویت ملی و حاکمیت ملی را با چالش مواجهه نموده است.

گروههای دیاسپورا ویژگی های ذیل را دارند:

۱. پراکندگی آنها یا اجدادشان از یک "مرکز" اصلی خاص به یک یا چند منطقه پیرامونی یا خارجی؛
۲. داشتن یاد و افسانه جمعی در مورد وطن اصلی اعم از موقعیت فیزیکی، تاریخ، و دستاوردها و رنج ها؛
۳. احساس بیگانگی و انزوا در جامعه میزبان بخاطر عدم پذیرش کامل در آنجا و متعاقبا همبستگی قومیتی؛
۴. دل در گرو برگشت به وطن اجدادی به عنوان خانه واقعی و ایده آل خود در صورت مهیا بودن شرایط؛
۵. تعهد به حفظ یا احیای ارزش ها و امنیت و رفاه وطن اصلی؛
۶. ارتباط شخصی یا نیابتی با میهن اصلی و همبستگی قومیتی با آن؛
۷. تمایل به حفظ و انتقال میراث فرهنگی و یا مذهبی نیاکان خود به عنوان یک اقلیت زنده با دارا بودن نمادهای قومی، آداب و رسوم و روایت های خاص از وطن اصلی؛

۸. انعکاس روابط فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و یا سیاسی آنها با میهن به شکل قابل توجهی در نهادها و رسانه‌های جمعی مربوطه.

بررسی رویکردهای هویت ملی روسیه

هویت ملی روسیه همواره بر اصطلاحاتی مانند امپراتوری و ناسیونالیسم متکی بوده است. کلیسای ارتدکس روسیه که در هویت ملی روسیه و ناسیونالیسم اتحادیه گرایانه نقش اساسی دارد، کلیسایی است که مدعی قلمروی متعارف در سراسر اتحاد جماهیر شوروی سابق، به ویژه بر سه قوم اسلاو شرقی روسیه، اوکراین و بلاروس است.

مجموعه رویکردهای پژوهشگران و سیاستمداران فدراسیون روسیه به هویت ملی روسی را می‌توان در قالب پنج رویکرد مورد بررسی قرار داد:

۱- «هویت اتحادیه‌ای» روس‌ها به عنوان یک مردم امپراتوری یا از طریق مأموریت خود برای ایجاد یک دولت فراملی تعریف می‌شوند.

۲- «قومیت واحد» بعنوان یک هویت که شامل هر سه قوم اسلاو شرقی است که با ریشه و فرهنگ مشترک خود متحد شده‌اند.

۳- «ملت واحد» به عنوان جامعه‌ای از روسی‌زبانان بدون توجه به قومیت آنها که زبان نشانگر اصلی هویت است..

۴- هویت روسیه بصورت نژادی تعریف می‌شود که در حاشیه راست افراطی نمایندگی می‌شد.

۵- هویت ملی روسیه مبتنی بر فدراسیون روسیه. بر این اساس هویت مدنی روسی تنها در دهه ۱۹۹۰ در محافل روشنفکری پدیدار شد و هنوز در اول راه است و هرگز ریشه عمیقی ایجاد نکرده است.

فهم روسیه از دیاسپورا یا روس تباران در اوکراین و تحلیل بحران

برخی از پژوهشگران در مطالعه دیاسپورای روسی در اوکراین آنرا تابعی از بیوپالیتیک روسیه در نظر می‌گیرند. امروزه ترسیم مرزهای بیوپالیتیکی در راستای حمایت از جمعیت روس تبار بعنوان دیاسپورا به اولویت اول سیاست خارجی روسیه در رویکرد با اروپا و غرب تبدیل شده است. عناصر ذیل را می‌توان بعنوان سیاست زیستی روسیه در اوکراین در نظر گرفت:

۱- فرهنگ روسی

۲- مذهب ارتدوکس

۳- اوراسیاگرایی فرهنگی و اخلاقی

۴- امت واحده.

امروزه کرملین در راستای حفظ بیوپالیتیکی خود در اوکراین از برنامه‌های مختلفی از جمله حمایت فرهنگی و زبان روسی از طریق بنیاد روسکی میر، آموزش عالی با اعطای بورس و آموزش عمومی از طریق استقرار دوایر مختلف آموزشی، اتحاد کلیسای ارتدوکس مسکو با خارج از آن و ترویج امت واحده در ساحت نظری آن، بهره می‌برد.

برخی پژوهشگران، عملیات نظامی روسیه و تهاجم جنگی علیه اوکراین در سال ۲۰۲۲ و برخی کشورهای دیگر را در راستای حمایت همه جانبه از دیاسپورای روسی تحلیل می‌کنند. با گرایش روزافزون اوکراین به غرب و دادن هویت غیر روسی به دیاسپورای روسی، همگی بعنوان تهدید بیوپالیتیکی برای روسیه تلقی شد.

با توجه به رویداد کنونی میان روسیه و اوکراین، برخی پژوهشگران کشاکش و نبرد نظامی روسیه در اوکراین را نقطه عطف و یک لحظه کلیدی برای ارتقای مفهوم دیپلماسی دیاسپورا در صحنه جهانی قلمداد می‌کنند. فهم دیپلماسی دیاسپورا بعنوان یک دیپلماسی استراتژیک رسمی، این امکان را به دیپلماسی رسمی روسیه می‌دهد که از آن ابزاری برای شکل دهی منازعات و همچنین حل این مناقشات و منازعات و استفاده از مکانیسم‌های آن در لحظات بحران سیاسی و پیش برنده اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ای بسا ابزاری برای تهاجم به کشورهای مقصد دیاسپورا بنا به اهداف مشخص سیاسی، استفاده نماید. با این تبیین، دیپلماسی دیاسپورا تابعی از دیپلماسی رسمی و ابزاری برای پیشبرد آن برای فدراسیون روسیه بشمار می‌آید.

پس از ارائه سخنرانی توسط جناب آقای دکتر حسن جباری نصیری حضار، شنوندگان و مخاطبان برخط پرسش‌هایی را در ارتباط با موضوع سخنرانی مطرح نمودند.